Khamenei.ir

پاسخ به یک شبهه رایج

چرا رهبری برای حل مشکلات اقتصادی ورود نمی‌کند؟

محمدجواد اخوان

پرسمان یکی از شبهاتی که در مقاطع مختلف و به انحای گوناگون بارها طرح‌شده درخصوص چرایی عدم ورود رهبری در حوزه‌های اجرایی است. این شبهه معمولاً زمانی که ناکارآمدی حوزه‌های اجرایی اوج می‌گیرد و موجب تشدید نارضایتی افکار عمومی می‌شود، جدی‌تر شده و بیشتر اذهان مردم را با خود درگیر می‌کند. اکنون نیز و در زمانه‌ای مشکلات مختلف اقتصادی بر گرده مردم سنگینی می‌کند این شبهه به شکل‌های مختلف در گفت‌وگوها شنیده‌شده و یا در فضای مجازی دیده می‌شود. در ادامه خواهیم کوشید به این شبهه از جوانب مختلف پاسخ دهیم:

۱- شئون و مسئولیت‌های ولی‌فقیه چیست؟

در ساختار نظام جمهوری اسلامی نوعی تقسیم وظایف میان ارکان مختلف شکل‌گرفته که بر مبنای آن وظایف و مسئولیت‌های هر یک از مسئولان و ارکان نظام تعیین‌شده است. بر این اساس مطابق اصل ۵ قانون اساسی ولایت مطلقه امر و امامت امت برعهده ولی‌فقیه بوده و دیگر مسئولان کشور هرکدام وظایف و مسئولیت‌هایی بر عهده‌دارند.

مطابق «اصل شصتم» قانون اساسی «اِعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است.» و نیز «اصل یک‌صد و سیزدهم» نیز تصریح می‌کند «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.» همچنین براساس «اصل پنجاه و هشتم» این قانون «اِعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که اَز نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد.»

همان‌گونه که پیداست حوزه اجرا و تقنین دارای مابه ازاهای نهادی و متولیان خاص خود است که براساس روال مشخصی تعیین می‌گردند. نکته جالب اینجاست که اتفاقاً در ساختار جمهوری اسلامی این دو قوه بارأی مستقیم تعیین تکلیف شده و عملاً متولیان اجرا و قانون‌گذاری مشخص می‌گردند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز حوزه اقتصاد و مدیریت کلان آن در بخش حاکمیتی عمدتاً در همین دو قوه تمرکزیافته و سایر نهادها یا فاقد صلاحیت حاکمیتی و یا تأثیرگذاری مستقیم در روندهای اقتصادی هستند. صلاحیت حاکمیتی در اینجا به معنای مرجع قانونی صدور مجوزهای رسمی برای فعالیت‌های اقتصادی، سیاست‌گذاری و پایش فعالیت‌های اقتصادی در کشور، اجازه ورود و یا عدم ورود دستگاه‌های گوناگون در بازار و... است.

این‌ها در حالی است که اصل ۱۱۰ قانون اساسی به‌جز برخی عزل و نصب‌ها، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل‌حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» را بر عهده رهبری گذارده است. بنابراین حوزه‌های اجرایی و قانون‌گذاری خصوصاً در بخش اقتصاد متولی مشخصی غیر از رهبری دارد که باید پاسخگوی وظایف و اختیارات خود باشد.

۲- چرا رهبری از اختیارات مطلقه خود استفاده نمی‌کند؟

گاه پرسیده می‌شود مگر مطابق نظریه سیاسی امام(ره) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولایت‌فقیه از نوع مطلقه نیست؟ پس چرا رهبری از این اختیارات خود برای حل این مشکلات اقتصادی استفاده نمی‌کند؟

پاسخِ این است که:

اولاً- رهبری «اجازه» بهره‌گیری از اختیارات مطلقه در اداره کشور را دارد، ولی به این معنا نیست که لزوماً «امکان» این امر نیز در اختیار او باشد. اجازه مطلقه بودن ولایت متکی به نص است، اما امکان آن متکی به شرایط، ازجمله مهم‌ترین آن‌ها که آمادگی پذیرش آن در خواص و آحاد امت است. می‌دانیم که نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی بر پایه مردم‌سالاری دینی است و مردم نظام را متعلق به خود می‌دانند. اگر براثر القائات دشمن شائبه نقض مردم‌سالاری دینی در افکار عمومی ایجاد شود، موجبات گسست میان امام و امت فراهم آمده و اصل نظام آسیب می‌بیند.

ثانیاً- حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سیره حکومتی خود دو اصل را همواره مدنظر داشته‌اند : ۱- دادن فرصت انتخاب‌گری به مردم برای مشارکت‌جویی بیشتر در حاکمیت و نیز تجربه‌آموزی در انتخاب‌های مختلف که با تنفیذ مکرر آرای مختلف مردم در انتخابات ریاست جمهوری تبلوریافته است. ۲- استفاده حداقلی و صرفاً اضطراری از اختیارات ولایت مطلقه و حکم حکومتی و عمدتاً به‌صورت مقطعی و با حدود معین.

این‌چنین است که حضرت امام در پاسخ جمعی از نمایندگان مجلس درخصوص اختیار مجمع تشخیص می‌نویسند: «انشاالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این مهروموم‌ها انجام‌گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد.» همین امر در سیره رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به‌کرات مشاهده می‌شود.

ثالثاً- مطلقه بودن ولایت به معنای درهم‌ریختگی ساختار و بی‌انضباطی در حکمرانی نیست. در ساختار قانون اساسی نیز مسیرهایی جهت اِعمال این حق وجود دارد. همان‌گونه که نورخان‌تر گرفته شِد مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل‌حل نیست،» برعهده رهبری است، البته قیدی دارد و آن «از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» است. این بدان معناست که تمایل اولیه قانون‌گذار بر حل مشکلات باخرد جمعی و با مشارکت کارگزاران نظام است. بر این اساس است که اتفاقاً بیشتر احکام حکومتی امام و رهبر معظم انقلاب اسلامی براساس درخواست خود مسئولان قوا صادرشده است . چنانچه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۸۸ و در پاسخ به نمایندگان نامزدهای معترض به نتیجه انتخابات می‌فرمایند: «آقای خاتمی نیز وقتی سال ۷۶ می‌خواستند کاندیدای ریاست جمهوری شوند، آمدند پیش بنده و گفتند که بنده عقیده‌ام این است که رهبری باید در چارچوب قانون اساسی عمل کند. بنده به ایشان گفتم بسیار مطلب خوبی است ولی شما جناب آقای خاتمی کسی خواهی بود که در آینده بیشترین تقاضاها را برای استفاده از اختیارات فراتر از قانون اساسی رهبری جهت حل مشکلات کشور خواهید داشت. در طول سال‌های ریاست جمهوری، ایشان بارها نامه می‌زدند که فلان مطلب را تنها شما می‌توانید حل کنید و بنده می‌نوشتم که با توجه به اینکه درخواست شما در چارچوب قانون اساسی نیست، مکتوب بنویسید که موضوع از طریق اختیارات فراتر از قانون اساسی رهبری حل شود و ایشان بارها و بارها چنین مطلبی را مکتوب کردند. شما ببینید این اختیارات رهبری در انتخابات مختلف مثل تائید انتخابات مجلس تهران و یا تائید صلاحیت کاندیدای ریاست جمهوری و... تاکنون به نفع چه جریانی بیشتر به کار گرفته‌شده است. در همین جمع اکثر دوستان در زمان تصدی خود بر پست‌های مختلف در مواقع بحرانی کشور، همین درخواست‌ها را به‌صورت مکتوب برای استفاده از اختیارات رهبری داشته‌اند.»

بدین ترتیب روشن است که احکام حکومتی نیز عمدتاً به خواست مسئولان قوا صادرشده است.

۳- امکانات مدیریتی در اختیار ولی‌فقیه برای حل مشکلات اقتصادی تا چه حد است؟

فراتر از امکان حقوقی ورود یا عدم ورود ولی‌فقیه، امکانات مادی و مدیریتی در اختیار او نیز مهم است. در موضوع مورد مناقشه (حل مشکلات اقتصادی) طبیعی است که با صدور یک فرمان و یا حکم حکومتی مشکل قابل‌حل نیست. برای آنکه مشخص شود تا چه میزان امکان حل مشکل اقتصادی در ساختار کنونی نظام در اختیار رهبری است باید به وضعیت بودجه، امکانات و دستگاه‌های متولی اقتصاد نگاهی بیندازیم:

برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد مطابق قوانین بودجه سالانه کشور، حدود ۸۰ درصد بودجه حاکمیت در اختیار قوه مجریه است و ۲۰درصد باقیمانده در اختیار مجلس، قوه قضاییه، نیروهای مسلح و سایر نهادها ازجمله نهادهای وابسته به رهبری است. همچنین مطابق «اصل یک‌صد و بیست و ششم» رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه‌وبودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آن‌ها را به عهده دیگری بگذارد. این بدان معناست که مدیریت تخصیص بودجه در اختیار رئیس‌جمهور است و اوست که تصمیم می‌گیرد از بودجه مصوب هر نهاد چه میزان در اختیاران قرار دهد.

حتی بخش‌های فراقوه‌ای همچون «صندوق توسعه ملی» نیز عملاً درید مدیریت قوه مجریه بوده، چنانچه رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر با کارگزاران نظام می‌فرمایند: « همین‌که حالا آقای دکتر روحانی اشاره کردند که یک مقداری از پول ارز و درآمد ارزی به دولت داده نمی‌شود، این یعنی می‌رود داخل صندوق توسعه‌ی ملّی. این صندوق توسعه‌ی ملّی در اختیار دولت است و هیچ‌چیز این در خارج از دولت نیست؛ خود صندوق در اختیار دولت است، مسئولین صندوق را دولت نصب می‌کند، سیاست‌های صندوق، برداشت از صندوق، همه‌چیزش دست دولت است منتها در یک مواردی چون یک برداشت غیرقانونی برای دولت ضرورت پیدا می‌کند و فرصت اینکه بروند از مجلس اجازه بگیرند نیست، می‌آیند سراغ این حقیر، از این بنده مجوّز می‌گیرند برای اینکه این پول را مثلاً بردارند [برای] این کار، وَالّا این صندوق در اختیار دولت است.»

هرچند مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاست‌های کلی نظام با رهبری است و اتفاقاً سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و یا اصل ۴۴ باهدف شکوفایی و مقاوم‌سازی اقتصاد صادرشده، اما در مقام اجرا این روحیه و سلیقه مدیران اجرایی است که به نتیجه نهایی رسیدن یا نرسیدن سیاست‌های کلی را مشخص می‌کند و می‌دانیم که تعیین این مدیران در اختیار رئیس‌جمهور و وزرا است. طبیعی است که بر هم زدن این نظام ساختاری به معنای نادیده انگاشتن سازوکارهای متعارف مردم‌سالاری دینی است و ممکن است همین افرادی که امروز شبهه «چرایی عدم ورود رهبری به مسائل اقتصادی» را دارنده فردا شبهه «چرایی نادیده انگاشتن ساختارهای دموکراتیک» را طرح کنند.

علاوه بر این ورود مکرر رهبری به تدابیر اقتصادی‌ای که معمولاً در قوه اجرایی اتخاذ می‌گردد، بهانه‌ای در دست کسانی ایجاد می‌کند که به دنبال این ادعا هستند که «نمی‌گذارند کارکنیم!»

۴- رهبر انقلاب برای اقتصاد و معیشت مردم چه می‌کنند؟

آنچه در اینجا به‌اختصار بدان پرداخته شد به این معنا نیست که رهبری به حل مشکلات مردم خصوصاً در حوزه معیشتی و اقتصادی بی‌اعتنا بوده و برای آن کاری نکرده باشند. در میان مسئولان عالی‌رتبه نظام، بیشترین تأکید بر حل این مشکلات را از زبان امام خامنه‌ای شنیده‌ایم. بارها معظم له مسئله اصلی کشور را «اقتصاد» دانسته و به بازگویی «گله‌مندی‌های مردم» در جمع مدیران اجرایی پرداخته‌اند.

ایشان در نقش ابتدایی رهبری یعنی سیاست‌گذاری بر همین مسئله اصلی بارها تأکید نمودند: چنانچه در ده سال گذشته در نام‌گذاری و تعیین شعار، جهت حرکت کشور را در حوزه اقتصاد تعریف نمودند، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اصل ۴۴ و... را با هدف بسترسازی پیشرفت اقتصادی و گره‌گشایی معیشتی ابلاغ کرده و بارها در توصیه به دولتمردان بر حل این مسائل تأکید نمودند.

در دیگر مسئولیت خود یعنی «نظارت» نیز بارها ضعف‌های نهادهای متولی و مدیران اجرایی گوشزد نموده‌اند و این نشان از اشراف فوق‌العاده معظم‌له به مسائل کشور و حوزه‌های اجرایی است و از سویی ایشان چندین برابر این پیگیری‌ها در مرئی و منظر عمومی از دستگاه‌ها و مدیران را حتی به‌صورت بازخواست و استیضاح در جلسات خصوصی انجام می‌دهند.

علاوه بر این‌ها، معظم‌له از طریق نهادهای منتسب به ولی‌فقیه نیز در جهت کاهش آلام مردم حرکت می‌کنند. فعالیت‌های خدمت‌رسانی نهادهایی چون بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص)، بسیج سازندگی، کمیته امداد امام خمینی(ره) در سرتاسر کشور خصوصاً نقاط محروم نشان از دقت نظر معظم له در حل مشکلات مردم دارد. البته امکانات مادی و سرمایه‌ای این دستگاه‌ها در مقایسه با کلیت دولت و قوه مجریه قابل‌مقایسه نیست و نمی‌توان انتظار داشت همه نارسایی‌ها و کم‌کاری‌های دیگران را جبران کنند.

در پایان این متن را با یکی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان خاتمه می‌دهیم: «درواقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. همین‌طور که اشاره کردم، گاهی اوقات فشارها، مضیقه‌ها و ضرورت‌ها، مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از انعطاف‌های غیر لازم یا غیر جایز وادار می‌کند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیتِ بسیار سنگینی است. این مسئولیت، مسئولیت اجرایی نیست؛ دخالت در کارها هم نیست. حالا بعضی‌ها دوست می‌دارند همین‌طور بگویند؛ فلان تصمیم‌ها بدون نظر رهبری گرفته نمی‌شود. نه، این‌طور نیست. مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بخش دیپلماسی، نمایندگان مجلس در بخش‌های خودشان، مسئولان قوه‌ی قضاییه در بخش خودشان، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در همه‌ی این‌ها رهبری نه می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. خیلی از تصمیم‌های اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمی‌کند؛ مسئولینی دارد، مسئولینش باید عمل کنند. بلـه، آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند. در تصمیم و عملِ رهبری باید عقلانیت در خدمت اصول قرار بگیرد، واقع‌بینی در خدمت آرمان‌گرایی‌ها قرار بگیرد.» **برهان**

مطابق قوانین بودجه سالانه کشور، حدود ۸۰ درصد بودجه حاکمیت در اختیار قوه مجریه است و ۲۰درصد باقیمانده در اختیار مجلس، قوه قضاییه، نیروهای مسلح و سایر نهادها از جمله نهادهای وابسته به رهبری است. همچنین مدیریت تخصیص بودجه در اختیار رئیس‌جمهور است و اوست که تصمیم می‌گیرد از بودجه مصوب هر نهاد چه میزان در اختیاران قرار دهد

آگهی

هیات محترم قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن با صدور سند بنام افراد ذیل موافقت نموده است ، لذا مراتب از طریق انتشار آگهی به اطلاع عمومی میرسد که چنانچه کسی نسبت به صدور سند معترض باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت بیست روز اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت دماوند تحویل و از تاریخ اعتراض ظرف مدت یک ماه با مراجعه به دادگستری دماوند گواهی طرح دعوی را اخذ و ارائه نمایند.

کلاسه	نام و نام خانوادگی	مساحت	پلاک	نوع ملک	انتقالی
۱۳۵	فریده شیخی	۱۱۹/۸۸	۷۵ اصلی	زمین محصور	سهم مجهول
۱۵۲	حسین امنیان و فاطمه عظیمی زاویه کرد	۲۶۴/۴۷	۷۵/۴۷۱	زمین و بنا	شهرداری کیلان
۲۱۵	رضا سیف اشرفی	۳۴۹/۸۵	۷۴ اصلی	زمین و بنا	سهم مجهول
۲۲۴	شمسی بولوردی	۳۱۱/۸۳	۷۵/۶۲۴	زمین و بنا	محمد قمری
۲۱۶	حجت اله شیر محمد کریمی	۶۶۷/۵۴	۷۵/۱۶۲۰	زمین محصور	امیر شیرمحمد کریمی
۲۲۵	وحید کاظمی	۱۴۸۹/۲۲	۷۵/۳۴	زمین محصور	محمد اکبر اشرفی
۲۲۹	محمد اکبر اشرفی	۱۲۹/۲۵	۷۵/۲۸۷	زمین محصور	ملا فضلعلی
۲۲۲	مهرداد طاهر کاظمی	۱۰۴۶/۴۶	۷۵/۶۹۹	زمین و بنا	میرزا محمد
۲۲۳	وحید کاظمی	۵۲/۰۱	۷۲/۲۴۹	زمین محصور	نصراله مطلبی
۲۲۵	حجت اله شیر محمد کریمی	۱۱۶۷/۲۵	۷۵/۱۶۲۳	زمین و بنا	سهم امیر شیر محمد کریمی
۲۱۱	محمد هادی خانزادی	۷۳۶/۵۶	۷۵/۲۳۷	زمین محصور	یداله خانزادی
۲۲۶	مریم کمالی نژاد	۷۷۶/۳۲	۷۵/۱۰۲	زمین محصور	بهزاد قصابی
۱۹۵	محمد جواد احمدی کلخوران	۷۹۰	۷۵/۲۱۳	زمین محصور	فاطمه غلام جمشیدی
۲۲۸	ندا نظری	۲۵۱/۵۹	۷۵/۶۹۹	زمین محصور	میرزا محمد
۱۹۶	مهدی حسن فامیلی	۲۵۱/۰۹	۷۴/۱۳۰	زمین و بنا	جلال حاجی اشرفی
۲۲۷	حسن خاشعی	۲۱۳/۹	۷۵/۲۳۹	زمین و بنا	کبری خانزادی

م الف/۵۲۹۹

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دماوند

صورت مجلس عدم قابلیت افراز پلاک ۵۱۲ فرعی از ۱۶۷ اصلی

تاریخ رسیدگی:۱۳۹۷/۴/۷ – مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج ، برابر محتویات پرونده ثبتی اسناد مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۱۰۰ مترمربع به شماره ۵۱۲ فرعی از ۱۶۷ اصلی قطعه ۴۵ واقع در حوزه ثبتی ناحیه ۳ کرج شرکت بنام بیمه البرز نسبت به ۱۵۵ سهم مشاع از ۲۰۰ سهم و فوندا نعمان نسبت به ۱۴/۶۷ سهم و والیا نعمان نسبت به ۹/۲۶ سهم و داوید نعمان نسبت به ۱۱/۰۷ سهم و کوروش نعمان نسبت به ۱۰ سهم مشاع از عرصه اعیان ششدانگ ثبت که سند مالکیت بیمه البرز به شماره ۸۱۰۷۰۳ ب ۹۵ صادر شده است. که برابر درخواست وارده شماره ۳/۱۵۸۸۶۷ مورخه ۹۶/۱۲/۱۳ شرکت البرز خواستار افراز حصه مشاعی خود را نموده اند و طبق گواهی نماینده محترم صدور سند معارض به نظر نرسید. لذا با اعمال دستور ذیل شماره ۳/۱۶۳۰۲۴ مورخه ۹۶/۱۲/۲۲ ریاست محترم اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج و مطابق نامه شماره ۳/۱۶۷۳۳۷ مورخه ۱۳۹۷/۱/۲۰ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع شهرداری کرج رسانیده شد و بموجب نامه شماره ۶۷/۳/۲۰۸۸۴ مورخه ۱۳۹۷/۳/۲ معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج با افراز پلاک مذکور به علت مغایرت با ضوابط شهرسازی مخالفت نموده و پلاک فوق را غیر قابل افراز اعلام نموده است.

خواهان: شرکت بیمه البرز سهامی عام به شماره ثبت ۶۷۶۹ به نشانی: تهران ، خیابان شریعتی ، بالاتر از ظفریه ، نبش آبان

خواندگان: دوشیزه فوندا و والیا و آقایان داوید و کوروش همگی با شهرت نعمان به نشانی: تهران ، خیابان بهار، خیابان مزینی ، شماره ۱۲۰

امضاء خواهان امضاء نماینده امضاء نقشه بردار

تصمیم مسئول واحد ثبتی:

با مطالعه پرونده ثبتی ۱۶۷/۵۱۲ و گزارش ماموریـن افراز و با عنایت به نامه شماره ۶۷/۳/۲۰۸۸۴ مورخه ۱۳۹۷/۰۳/۰۲ معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج ششدانگ پلاک فوق الاشعار غیر قابل افراز تشخیص می گردد. با توجه به اینکه اخطار افراز به نشانی خواندگان ارسال و به جهت عدم شناسائی اخطار آگهی افراز منتشر شده بمنظور ابلاغ رای مذکور در اجرای ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی اسناد رسمی لازم الاجرا مراتب در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار منتشر و مراتب به متقاضی و شریک مشاعی ابلاغ گردد تا در صورت اعتراض مطابق ماده دوم قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ رویت ظرف مدت ده روز به دادگاه صالح محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض نمایند. م الف/۹۷/۱۱۰۱۶

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج

صورت مجلس عدم قابلیت افراز پلاک ۱۸۳ فرعی از ۱۶۷ اصلی

تاریخ رسیدگی:۱۳۹۷/۴/۷ – مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج ، برابر محتویات پرونده ثبتی اسناد مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع به شماره ۱۸۳ فرعی از ۱۶۷ اصلی قطعه ۶۰۰ واقع در حوزه ثبتی ناحیه ۳ کرج شرکت بنام بیمه البرز نسبت به ۱۵۵ سهم مشاع از ۲۰۰ سهم و فوندا نعمان نسبت به ۱۴/۶۷ سهم و والیا نعمان نسبت به ۹/۲۶ سهم و داوید نعمان نسبت به ۱۱/۰۷ سهم و کوروش نعمان نسبت به ۱۰ سهم مشاع از عرصه اعیان ششدانگ ثبت که سند مالکیت بیمه البرز به شماره ۸۰۸۶۳۵ ب ۹۵ صادر شده است. که برابر درخواست وارده شماره ۳/۱۵۸۸۶۷ مورخه ۹۶/۱۲/۱۳ شرکت البرز خواستار افراز حصه مشاعی خود را نموده اند و طبق گواهی نماینده محترم صدور سند معارض به نظر نرسید. لذا با اعمال دستور ذیل شماره ۳/۱۶۳۰۲۴ مورخه ۹۶/۱۲/۲۲ ریاست محترم اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج و مطابق نامه شماره ۳/۱۶۷۸۷۳ مورخه ۱۳۹۷/۱/۲۱ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع شهرداری کرج رسانیده شد و بموجب نامه شماره ۶۷/۳/۲۰۸۸۴ مورخه ۱۳۹۷/۳/۲ معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج با افراز پلاک مذکور به علت مغایرت با ضوابط شهرسازی مخالفت نموده و پلاک فوق را غیر قابل افراز اعلام نموده است.

خواهان: شرکت بیمه البرز سهامی عام به شماره ثبت ۶۷۶۹ به نشانی: تهران ، خیابان شریعتی ، بالاتر از ظفریه ، نبش آبان

خواندگان: دوشیزه فوندا و والیا و آقایان داوید و کوروش همگی با شهرت نعمان به نشانی: تهران ، خیابان بهار، خیابان مزینی ، شماره ۱۲۰

امضاء خواهان امضاء نماینده امضاء نقشه بردار

تصمیم مسئول واحد ثبتی:

با مطالعه پرونده ثبتی ۱۶۷/۱۸۳ و گزارش ماموریـن افراز و با عنایت به نامه شماره ۶۷/۳/۲۰۸۸۴ مورخه ۱۳۹۷/۰۳/۰۲ معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج ششدانگ پلاک فوق الاشعار غیر قابل افراز تشخیص می گردد. با توجه به اینکه اخطار افراز به نشانی خواندگان ارسال و به جهت عدم شناسائی اخطار آگهی افراز منتشر شده بمنظور ابلاغ رای مذکور در اجرای ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی اسناد رسمی لازم الاجرا مراتب در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار منتشر و مراتب به متقاضی و شریک مشاعی ابلاغ گردد تا در صورت اعتراض مطابق ماده دوم قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ رویت ظرف مدت ده روز به دادگاه صالح محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض نمایند. م الف/۹۷/۱۱۰۱۵

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج

صورت مجلس عدم قابلیت افراز پلاک ۵۰۵ فرعی از ۱۶۷ اصلی

تاریخ رسیدگی:۱۳۹۷/۴/۷ – مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج ، برابر محتویات پرونده ثبتی اسناد مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع به شماره ۵۰۵ فرعی از ۱۶۷ اصلی قطعه ۳۵ واقع در حوزه ثبتی ناحیه ۳ کرج شرکت بنام بیمه البرز نسبت به ۱۵۵ سهم مشاع از ۲۰۰ سهم و فوندا نعمان نسبت به ۱۴/۶۷ سهم و والیا نعمان نسبت به ۹/۲۶ سهم و داوید نعمان نسبت به ۱۱/۰۷ سهم و کوروش نعمان نسبت به ۱۰ سهم مشاع از عرصه اعیان ششدانگ ثبت که سند مالکیت بیمه البرز به شماره ۴۵۵۶۴۶ الف ۹۶ صادر شده است. که برابر درخواست وارده شماره ۳/۱۵۸۸۶۷ مورخه ۹۶/۱۲/۱۳ شرکت البرز خواستار افراز حصه مشاعی خود را نموده اند و طبق گواهی نماینده محترم صدور سند معارض به نظر نرسید. لذا با اعمال دستور ذیل شماره ۳/۱۶۳۰۲۴ مورخه ۹۶/۱۲/۲۲ ریاست محترم اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج و مطابق نامه شماره ۳/۱۶۷۸۹۳ مورخه ۱۳۹۷/۱/۲۱ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع شهرداری کرج رسانیده شد و بموجب نامه شماره ۶۷/۳/۲۰۸۸۴ مورخه ۱۳۹۷/۳/۲ معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج با افراز پلاک مذکور به علت مغایرت با ضوابط شهرسازی مخالفت نموده و پلاک فوق را غیر قابل افراز اعلام نموده است.

خواهان: شرکت بیمه البرز سهامی عام به شماره ثبت ۶۷۶۹ به نشانی: تهران ، خیابان شریعتی ، بالاتر از ظفریه ، نبش آبان

خواندگان: دوشیزه فوندا و والیا و آقایان داوید و کوروش همگی با شهرت نعمان به نشانی: تهران ، خیابان بهار، خیابان مزینی ، شماره ۱۲۰

امضاء خواهان امضاء نماینده امضاء نقشه بردار

تصمیم مسئول واحد ثبتی:

با مطالعه پرونده ثبتی ۱۶۷/۵۰۵ و گزارش ماموریـن افراز و با عنایت به نامه شماره ۶۷/۳/۲۰۸۸۴ مورخه ۱۳۹۷/۰۳/۰۲ معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج ششدانگ پلاک فوق الاشعار غیر قابل افراز تشخیص می گردد. با توجه به اینکه اخطار افراز به نشانی خواندگان ارسال و به جهت عدم شناسائی اخطار آگهی افراز منتشر شده بمنظور ابلاغ رای مذکور در اجرای ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی اسناد رسمی لازم الاجرا مراتب در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار منتشر و مراتب به متقاضی و شریک مشاعی ابلاغ گردد تا در صورت اعتراض مطابق ماده دوم قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ رویت ظرف مدت ده روز به دادگاه صالح محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض نمایند. م الف/۹۷/۱۱۰۱۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج

رونوشت حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت حسن بلوچ فرزند پیر محمد به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۵۴۵۷۱۰۰۱۳۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عبدالعزیز بلوچ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن شخص منحصر است به ۱ – رقیه تخش همسر متوفی ۲ – شاهاتون بلوچ مادر متوفی ۳– حسن بلوچ پدر متوفی ، اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی حصر وراثت صادر خواهد شد. م الف/۸۱

مسئول دفتر شعبه ۱ شورای حل اختلاف شهرستان چابهار

آگهی ابلاغ اجرائیه سند رهنی

بدین وسیله به آقای محمد سیاح بازخانه فرزند امامقلی به شماره شناسنامه ۲۳۴۱۹ به نشانی بجنورد خ ۱۷ شهریور شمالی کوچه خوران پلاک ۳۲ – ابلاغ می شود که بانک کشاورزی شعبه مرکزی بجنورد به استناد سند رهنی به شماره ۱۹۹۲ –۱۳۸۴/۰۷/۱۳ دفترخانه دو بجنورد جهت وصول مبلغ ۷۳۱/۰۵۲/۰۰۰ ریال تا تاریخ ۱۳۸۹/۰۵/۱۵ به انضمام خسارت تاخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۸۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۱۰۸ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۲۴ مامور مربوطه ، آدرس شما به شرح متن سند شناسائی نگردیده است ، لذا بنا به تقاضای بستانکار به شرح وارده به شماره ۱۳۹۷۰۵۰۰۷۱۴۱۰۰۴۳۸۷–۱۳۹۷/۰۴/۰۶ مطابق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، مورد وثیقه مندرج در سند رهنی فوق با تقاضای بستانکار پس از ارزیابی از طریق مزایده فروخته و از حاصل فروش آن طلب بستانکار و حقوق دولتی استیفا خواهد شد.

حمید عزیزی– رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای محمد رحیم واضحی فرزند علی

خواهان آقای محمد حسین کشاورزیان دادخواستی به طرفیت خوانده فوق به خواسته فک پلاک و غیره مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۲۳۱۰۴۰۰۱۴۲ (۹۷۰۱۷۱) شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سمنان ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۷ ساعت ۱۱/۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سمنان – سمیرا شمس الدین

آگهی

خواهان ماه بیگم اسدی فرزند سلطانعلی به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۲۵۰ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان آرش مالک پور در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن متوفی منحصر است به: ۱ – ماه بیگم اسدی فرزند سلطانعلی به ش ش ۸۴ متولد ۱۳۱۵ مادر متوفی ۲– فریبا ابوالحسنی فرزند قربانعلی به ش ش ۶۳۹ متولد ۱۳۶۰ زوجه متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یکماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۵ شورای حل اختلاف شهرستان شهرکرد– رحمان آماده